

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

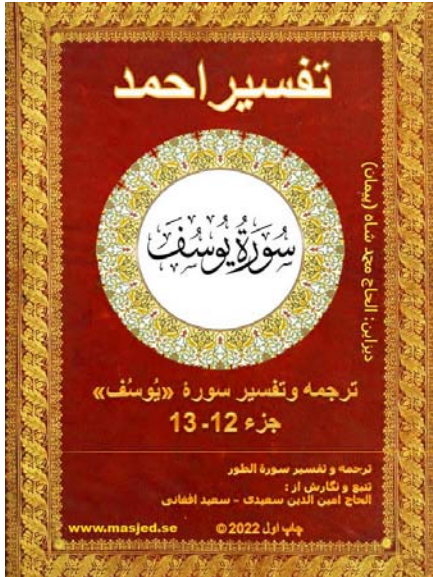
Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین "سعیدی-سعیدافغانی"

۰۱ اپریل ۲۰۲۲

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ترجمه و تفسیر سوره «یوسف» - (۴) جزء ۱۲-۱۳



سوره «یوسف» در مکه مکرمه نازل شده، دارای یک صد و یازده آیت و دوازده رکوع می‌باشد.

نَحْنُ نُقِصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ (۳)

(ای پیامبر!) ما بهترین داستان‌ها را با وحی کردن این قرآن بر تو حکایت می‌کنیم، و مسلماً تو پیش از آن از بی خبران [نسبت به این بهترین داستان] بودی (و آگاهی نداشتی). (۳)  
ای پیامبر! خداوند متعال در این سوره بهترین داستان را در لفظ و معنی و در شیوه و مبنی بر تو حکایت می‌کند؛ هرچند قبل از فرود آوردن این قرآن، در زمره غافلان از این اخبار بوده و نسبت به آن هیچ علم و اطلاعی نداشته‌ای؛ از آن‌رو که این اخبار جز از راه وحی در دسترس نیست.

«نَحْنُ نُقِصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ»: ای محمد! «ما بر تو نیکوترین داستان را» در باره سرگذشت امتهای پیشین را به درست‌ترین گفتار و نیکوترین زیباترین بیان بر تو حکایت می‌کنیم،

«بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ»: از طریق این قرآن و این کتاب معجزه‌مگر.

«وَ إِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ (۳)»: هرچند قبل از فرود آوردن این قرآن، در زمره غافلان از این اخبار قصه و داستان بوده و نسبت به آن هیچ علم و اطلاعی نداشته‌ای و به خاطر آن هم خطور نکرده و به گوشت نخورده بود؛ چون تو ناخوانده‌ای و با خواندن و نوشتن بلدیت نداشتی.

«احسن القصص»:

احسن القصص می‌تواند دارای دو معنا بوده باشد: ( ۱- بهترین قصه‌ها ، ۲- بهترین داستان سرائی ) مفسران در مورد احسن القصص می‌نویسند که: این سوره مبارکه را، بدین سبب «احسن القصص» نامیده اند که:

- داستان یوسف علیه السلام که از لحاظ فهم وحی قرآنی از معتبرترین داستان‌هاست و در این داستان، جهاد با نفس که بزرگترین جهاد است، مطرح می‌شود. لذا از آن به «احسن القصص» یاد شده است.

- در این سوره؛ داستان حال پیامبران، صالحان و فرشتگان و نیز سیرت پادشاهان، بردگان، تاجران، مردان و زنان و نیرنگ‌ها و مکرهای شان به بیان گرفته شده است.

- تمام چهره هائی که در این داستان ، ذکری از آن به‌عمل آمده است ، ایمان می‌آورند و به سعادت می‌رسند. از جمله یوسف علیه السلام به حکومت می‌رسد، برادران یوسف توبه می‌کنند، پدربزرگوار یوسف علیه السلام، بینائی خود را دوباره به دست می‌آورد، کشور از قحطی ، نجات می‌یابد، آزرده دلی‌ها و حسادت‌ها به وصال و محبت تبدیل می‌شوند. - در این داستان، مجموعه ای از اضداد در کنار هم طرح شده اند؛ فراق، و وصال، غم و شادی، قحطی و پرمحصولی، وفاداری و جفاکاری، مالک و مملوک، چاه وقصر، فقر و غنا، بردگی و سلطنت، کوری و بینائی، پاکدامنی و اتهام ناروا بستن، زندان و رهائی، گناه و بخشش، مریضی و صحت، اقامت و مسافرت و کوچ کردن.

- داستان عاشقانه ای که در نهایت عفت ، پنهانی، تنهائی، و خلوت بیان می‌یابد و حاکمیت اراده پروردگار با عظمت بر همه چیز در این داستان بخوبی مشاهده می‌شود. سرنوشت شوم حسودان و نقشه های نقش بر آب شده آن‌ها مشاهده می‌شود. ننگ و بی عفتی، عظمت و شکوه پاکدامنی، پرهیزگاری، و تقوا را در لابه لای سطورش مجسم می‌بینیم. منظره تنهائی یک کودک کم سن و سال را در قعر چاه، شب‌ها و روزهای یک زندانی بی گناه را در سیاه چال زندان، تجلی نور امید از پس پرده های تاریک یأس و ناامیدی و سرانجام عظمت و شکوه یک حکومت وسیع که نتیجه آگاهی و امانت است، همه در این داستان از مقابل چشم انسان می‌گذرد . لحظاتی را که سرنوشت یک ملت با یک خواب پرمعنی دگرگون می‌شود و زندگی یک قوم و جمعیت در پرتو خبرگی و سیاست مدبرانه یک رهبر وزعیم بیدار الهی از نابودی نجات می‌یابد.

- تعداد کثیری از مفسران سوره یوسف علیه السلام را به خاطر لطایفی که در این داستان به‌کار رفته است ، به «احسن القصص» مسمی‌نموده اند ، در آیین داستان : عشق، عاشق و معشوق؛ حسد ورز و مورد حسد واقع شده؛ زندان و آزادی، حاصلخیزی و خشکسالی، پاک دامنی، پیامبران، ابلیسان، فرشتگان، پرندگان ، چهارپایان، مردان، زنان، تاجران، دانشمندان، نادانان، توحید، تعبیر خواب، سیاست، همزیستی خانوادگی، حکومتداری ، شهادت کودکی در گهواره و غیره ....

- داستان یوسف علیه السلام به شکلی که در قرآن عظیم الشان تذکر رفته است ، سراسر نشانه و پند است برای کسانی که گوش شنوا و چشم حقیقت بین و قلب پاک دارند. در لابه لای این داستان، عالی ترین مضامین اخلاقی و تربیتی نهفته است.

- این داستان که در آن به ده ها درس بزرگ دیگر منعکس شده است، چرا بهترین داستان نباشد؟! لکن بهترین داستان بودن سرگذشت یوسف به تنهائی کافی نیست، مهم این است که در شخصیت ما چنین لیاقت ، شایستگی و خبرگی باید وجود داشته باشد که بتوانیم این همه درس بزرگ را در روح و روان خود جای دهیم. و آنرا سرمشق زندگی عملی خویش قرار دهیم. اصل این داستان همه گونه ارزشهای والای انسانی را در خود جمع کرده است؟

- این قصه به ما می‌فهماند که از جمله عوامل سیادت و سروری حضرت یوسف علیه السلام ، ولایت خدا بر بنده مؤمنش، پناه بردن یوسف به پروردگار با عظمتش و استعانت از او و خویشنداری ایشان از گناه بود، زیرا الله متعال

فرموده است: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ. آیت ۲ طلاق» (و هرکس که از الله متعال بترسد، پروردگار با عظمت برای او راه بیرون شدن و رهائی (از هر گونه مشکل) را قرار می‌دهد).

### شان نزول آیت ۳ :

۶۱۶- حاکم و دیگران از سعد بن ابی وقاص روایت کرده اند: چون قرآن کریم بر نبی اکرم صلی الله علیه وسلم نازل گردید، مدتی آیات آن را برای مسلمانان تلاوت کرد. پس جماعتی از مسلمانان گفتند: ای رسول الله کاش برای ما داستانی بیان می‌کردی، در آن هنگام آیت: «اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ...» (زمر: ۲۳) نازل گردید. ابن ابوحاتم افزوده است: جمعی از اصحاب گفتند که ای فرستاده الله، اگر برای ما قصه‌ای نقل می‌کردی چه خوب می‌شد. آنگاه آیت: «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ...» (حدید: ۱۶) نازل شد. (صحیح است، بزار ۳۲۱۸، ابویعلی ۷۴۰، ابن حبان ۶۲۰۹، حاکم ۲ / ۳۴۵، طبری ۱۸۷۸۹، واحدی در «اسباب نزول» ۵۴۴ از چند طریق از عمرو بن قیس از عمرو بن مره از مصعب بن سعد از پدرش روایت کرده اند. اسناد این به شرط مسلم صحیح است. حاکم این را صحیح گفته و ذهبی هم با او موافق است. به حدیث بعدی و به «زاد المسیر» ۸۰۳ مراجعه فرمائید). ۶۱۷- ابن جریر از ابن عباس (رض) روایت کرده است: عده‌ای گفتند: ای رسول خدا چه می‌شد برای ما قصه می‌گفتی، آنگاه الله «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ» را نازل کرد. (طبری ۱۸۷۸۶ روایت کرده منقطع است، عمرو بن قیس ابن عباس را ندیده. باز هم طبری ۱۸۷۸۷ به قسم مرسل روایت کرده، ابن اصح است. به «ابن کثیر» ۳۸۴۶ مراجعه فرمایید).

### داستان حضرت یوسف علیه السلام :

اساس داستان زیبا یوسف علیه السلام از آیت: ۴ این سوره مبارکه آغاز می‌یابد والی آیت: (۱۰۱) سوره یوسف ادامه می‌یابد.

این داستان که به نام «احسن القصص»: شیرین ترین داستان مشهور بوده از آیت ۴ شروع و آغاز می‌یابد؛ این سرآغاز شگفت آفرین، مختصری است در رابطه با بخشهای زیبای داستان یوسف که ذهن و حضور هر خواننده و شنونده را برای شناخت و دریافت آنچه که سرنوشت و فرجام امر است، جلب می‌کند. خواننده محترم!

در آیات (۴ الی ۶) ۱ - قصه یوسف علیه السلام در دوران کودکی در کنار پدرش و خوابی که دیده بود. به بحث گرفته شده است :

**إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ (۴)**

(آن داستان این است که) چون یوسف به پدرش گفت: ای پدر (بزرگوارم)! من یازده ستاره و آفتاب و ماه را در خواب دیدم، دیدم که آن‌ها برایم سجد می‌کنند. (۴)

مفسران می‌فرمایند که: تأویل این خواب بعد از مدت طولانی، یعنی بعد از مدت چهل سال، و آنهم در زمانی که حضرت یوسف علیه السلام اداره مصر را به عهده گرفته بود، به وقوع پیوست. [شرح السنة، للبغوي ۲۳۱/۱۲].  
خواننده محترم!

آغاز و شروع داستان با رویا و پایان آن با تعبیر آن، از بهترین روشها برای نوشتن داستان و سناریو است.

«إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا»: به یاد بیاور وقتی که یوسف به پدرش، یعقوب فرزند اسحاق فرزند ابراهیم علیهم السلام، گفت: پدرجان! خوابی عجیب دیدم. یازده ستاره از ستارگان آسمان را در خواب دیدم که در مقابل من سر سجده بر زمین نهادند.

در حدیثی شریف آمده است: که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «الکریم ابن الکریم ابن الکریم ابن الکریم، یوسف بن یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم: گرامی، فرزند گرامی، فرزند گرامی، فرزند گرامی، یوسف فرزند یعقوب فرزند اسحاق فرزند ابراهیم».

«وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ ۴»: و در خواب نیز دیدم که آفتاب و ماه با ستارگان برای من سجده بردند. ابن عباس (رض) فرموده است که: رؤیا در میان آنان وحی بود. (تفسیر طبری ۱۵۱/۱۲).

مفسران گفته‌اند: یازده ستاره عبارت از برادران یوسف و آفتاب و ماه والدینش بودند. در وقتی که یوسف این خواب را دیده بود عمرش به دوازده سال می رسید. و فاصله بین این رؤیا و دیدار او با والدین و برادرانش در مصر چهل سال بود. (حاشیه صاوی بر جلالین ۲۳۴/۲).

### ذکر رؤیای های قرآنی:

قرآن در سوره‌های مختلف، از رؤیاهائی نام برده که حقیقت آنها به وقوع پیوسته، از جمله:

**الف:** رؤیای یوسف علیه السلام درباره سجدۀ یازده ستاره و ماه و آفتاب بر او که با رسیدن او به قدرت و تواضع برادران و پدر و مادر در برابر او تعبیر گردید.

**ب:** رؤیای دو یار زندانی یوسف که بعداً یکی از آنها آزاد و دیگری اعدام شد.

**ج:** رؤیای پادشاه مصر درباره گاو لاغر و چاق که تعبیر به قحطی و خشکسالی بعد از فراخی شد.

**د:** رؤیای پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم درباره عدد اندک مشرکان در جنگ بدر که تعبیر به شکست مشرکان شد. (سوره انفال، ۴۳).

**ه:** رؤیای پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم درباره ورود مسلمانان با سر تراشیده به مسجدالحرام که با فتح مکه و زیارت خانه خدا تعبیر شد (فتح، ۲۷).

**و:** رؤیای حضرت ابراهیم در مورد ذبح فرزندش حضرت اسماعیل. (صافات، ۱۰).

### دروس حاصله از این آیت مبارکه:

پدر و مادر، بهترین مرجع و بهترین تکیه گاه برای حل مشکلات فرزندان خویش می‌باشند.

«یا أَبَتِ»: پدران و فرزندان در خطاب به یکدیگر، و در صحبت به یکدیگر باید از کلماتی که نشانه صمیمیت، رحمت و شفقت است، استفاده به عمل آرند.

والدین به تعبیر خواب فرزندان خویش باید توجه و اهتمام خاص، دقیق و فوق العاده به عمل آرند.

«یا أَبَتِ» حضرت یوسف در ابتداء، تعبیر خواب نمی‌دانست و لذا برای تعبیر رؤیایش از پدر استمداد جست و طالب کمک شد.

گاهی رؤیا و خواب دیدن، یکی از راه‌های دریافت حقایق است.

در فرهنگ خواب، اشیاء، نماد حقایق می‌شوند. (مثلاً آفتاب نشان پدر و ماه تعبیر از مادر و ستارگان نشان برادران است).

دیدن ماه و آفتاب و ستارگان (به صورت هم زمان)، از شگفتی‌های رؤیای یوسف است. انسان‌های برگزیده، به مقامی می‌رسند که مسجود دیگر انسان‌ها می‌شوند.

### رؤیای صافه:

حضرت یوسف در زندگی چند قسمت و روزگار مهم را پشت سر گذاشتند. اولین بحثی که در داستان حضرت یوسف مطرح می‌شود ماجرای رؤیای حضرت یوسف علیه السلام است:

اول این‌که خواب یا رؤیای حضرت یوسف را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد. بخش اول آن می‌فرماید: «إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ»: من یازده ستاره و ماه و آفتاب را دیدم. در بخش دوم مجدداً کلمه: «رَأَيْتُهُمْ» تکرار می‌شود و می‌فرماید: «رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ» دیدم آنان را که بر من سجده می‌کنند. گفته می‌شود بخش دوم خواب به بخش اول ارتباطی ندارد. ماه و ستارگان که سجده نمی‌کنند. جمعی در برابر حضرت یوسف سجده کردند.

### تعبیر رؤیا:

معمولاً این رؤیا را این‌گونه تعبیر می‌کنند که پدر و مادر و برادران، برای حضرت یوسف سجده کردند. اما این رؤیا به این معنا نیست که آن‌ها بر حضرت یوسف سجده کردند که آنگاه در تأویل آن دچار مشکل شویم. در تأویل رؤیا بر اساس این‌که رؤیای سجده ستارگان، آفتاب و ماه را دیده باشند، گفته‌اند پدر و مادر و برادران یوسف (ع) بر او سجده کردند. ولی با این نگاه که سجده‌کنندگان خود ماه و آفتاب نیستند، تأویل رؤیا هم متفاوت می‌شود.

طبق آیات قرآن حضرت یوسف پدر خود را بر عرش، یعنی بر تخت بالا بردند و خود در جایگاه عزیز مصر و مقام دوم کشوری نشستند. آنگاه جمعی از حاضران که کارکنان و مقامات و وزراء بودند، طبق رسم و رواج مصر در برابر حضرت یوسف علیه السلام به سجده افتادند. نه این‌که پدر و مادر، او را سجده کرده باشند زیرا این با متن آیت چندان سازگار نیست. چون می‌فرماید: «وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ» (آیت ۱۰۰ یوسف).

گفته شده که آفتاب به سلطان و ملک برمی‌گردد، ماه به رئیس الوزراء و ستارگان به وزراء. حضرت یوسف خود را در جمع آن‌ها می‌بیند و بعد بر اساس قانون مصر، عده‌ای در برابر او سجده می‌کنند.

در ملاقات حضرت یوسف با پدر، مادر و برادران دو مرحله وجود داشت. یک مرحله، بیرون از شهر مصر بوده که حضرت یوسف خود به استقبال و پذیرائی آن‌ها می‌آید و آن‌ها را دعوت می‌کند تا به شهر تشریف آورند. که تفصیل آن در آیت (۹۹) همین سوره به بیان گرفته شده است: «فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ أَوَى إِلَيْهِ أَبَوَيْهِ وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِن شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ» وقتی که پدر و مادر و برادران وارد مصر شدند، پدر و مادر را در نزد خود جای داد. برخی تعبیر کردند که آن‌ها را در آغوش گرفت و به آن‌ها گفت که با امنیت وارد مصر شوید.

ادامه دارد